

در بررسی نقش شوروی در بحران کردستان

۸ مهر ۱۴۰۱ ساعت ۲۲:۰۴

بحران مهاباد رسماً در آذر ماه ۱۳۲۴ و با اعلام جمهوری کردستان از سوی قاضی محمد شکل گرفت. قاضی محمد در راستای تحقق رویای خود یعنی تشکیل کردستان مستقل، از کردهای عراق به خصوص ملا مصطفی بارزانی نیز کمک گرفت. بر این اساس قاضی محمد از بارزانی که ۳ هزار جنگجو و ۲ هزار خانوار (حدوداً ده هزار نفر) از بارزانی‌ها را همراه داشت، دعوت کرد که وارد خاک کردستان ایران شود....

با شعله‌ور شدن آتش دومین جنگ بزرگ جهانی، رضاشاه با اعلام بیطرفی، خود را از دخالت در جنگ برحذر داشت. با این حال او به دلایلی به حمایت از آلمان نازی پرداخت و همین موضوع بهانه‌ای برای اشغال کشور توسط متفقین شد. با اشغال کشور، ایران به عرصه تنارع قدرت‌های بزرگ درآمد و میان شوروی و انگلیس که در رقابت با یکدیگر به سر می‌بردند تقسیم شد. این رویداد سرآغاز تحولات سیاسی جدیدی برای ایران بود که یکی از مهمترین آنها بحران کردستان بود. این بحران که از سوی برخی از تجزیه‌طلبان برای استقلال برخی از شهرهای کردنشین از جمله مهاباد آغاز شده بود با دخالت مستقیم شوروی صورت گرفت.

حمله متفقین به کشور و تقسیم ایران میان قدرت‌ها

شوروی و انگلیس از آغاز قرن نوزدهم در رقابت سیاسی و اقتصادی با یکدیگر به سر می‌بردند. عمده‌ترین عامل رقابت از سوی روسیه آب‌های خلیج فارس و رسیدن به هندوستان بود. انگلیس نیز درصدد حفظ مستعمره خود یعنی افغانستان بود و تلاش می‌کرد تا به هر نحوی مانع از نفوذ روسیه گردد. این رقابت باعث شده بود تا بسیاری از مناطق حائل از جمله ایران و افغانستان محل منازعه قدرت دو طرف باشد. چنانچه ایران یک بار رسماً و طی قرارداد ۱۹۰۷ میان دو طرف تقسیم شد. با این حال بعد از برخی از تحولات سیاسی در روسیه همچون انقلاب اکتبر و سیاست خاص بلشویک‌ها، روسیه طی قرارداد مودت ۱۹۲۱ بسیاری از قراردادهای استعماری خود با ایران را ملغی و اعلام نمود تنها در صورتی که منافع او در ایران از سوی قدرتی بیگانه خدشه‌دار گردد خود را ملزم به دخالت خواهد کرد.

اما برخلاف انتظارات، این قرارداد پایان کار روسیه نبود. با شروع جنگ جهانی دوم و به تبع آن اشغال کشور توسط متفقین، بار دیگر ایران میان دو قدرت شوروی و انگلیس تقسیم شد. با اعمال تقسیمات جدید، مناطق کردنشین از جمله مهاباد به منطقه‌ای میانی تعلق گرفت و «پس از تجدید نظر دوباره به خطی که مرز تصرفات روسیه و انگلیس را از هم جدا می‌کرد، سردشت را تحت نظارت سنج قرار داده بود. یعنی تحت نظر انگلستان، از سردشت به طرف شمال، شهرهای بوکان تا نزدیکی سقز، نقده و اطراف آن، اشنویه و مناطق کردنشین سلماس تا نزدیکی منطقه عشیره‌نشین جلالی‌ها، منطقه‌ای بود که شکلگیری جنبش دمکرات

مه‌باد در آن به وقوع پیوست.»^۱

حضور شوروی در شهرها و استان‌های کردنشین، مقدمه بحرانی بود که در سال ۱۳۲۴ در مه‌باد به وقوع پیوست.

مه‌باد از اعلام جمهوری تا شکست قاضی محمد

بحران مه‌باد رسماً در آذر ماه ۱۳۲۴ و با اعلام جمهوری کردستان از سوی قاضی محمد شکل گرفت. قاضی محمد در راستای تحقق رویای خود یعنی تشکیل کردستان مستقل، از کردهای عراق به خصوص ملا مصطفی بارزانی نیز کمک گرفت. بر این اساس قاضی محمد از بارزانی که ۳ هزار جنگجو و ۲ هزار خانوار (حدوداً ده هزار نفر) از بارزانی‌ها را همراه داشت، دعوت کرد که وارد خاک کردستان ایران شود. این عده با احشام خود از راه کله‌شین وارد خاک ایران شدند و در اطراف اشنویه و پیرانشهر و مه‌باد و تکاب و چند جای دیگر به طور پراکنده اسکان یافتند.^۲ گفته شده است اکثر کردهایی که از عراق وارد ایران شدند لباس و اسلحه شوروی را بر تن و دست داشتند.

البته شوروی منکر هر گونه نقشی در این بحران بود؛ اما واقعیت آن است که در طول تسلط ارتش اتحاد جماهیر شوروی بر کردستان، نمایندگان شوروی در ظرف چهار سال دو بار از سرشناسان کردستان و قاضی محمد که از نفوذ خاصی بهره‌مند بود، جهت بازدید از آذربایجان شوروی دعوت به عمل آوردند. بعد از سفر دوم قاضی محمد و همراهانش به شوروی با توصیه و حمایت رئیس جمهور آذربایجان شوروی زمینه تأسیس حزب دمکرات کردستان فراهم آمد. در چنین شرایطی در سال ۱۳۲۴ قاضی محمد تأسیس حزب دمکرات کردستان را به عنوان تنها سازمان سیاسی مناطق کردنشین اعلام کرد و کومله ژکاف (جمعیت رستاخیز کرد که در سال ۱۳۱۹ تشکیل شده بود) را در آن ادغام کرد.^۳

شوروی در حالی منکر نقش خود در بحران کردستان بود که گفته شده است حتی کمک بارزانی به قاضی محمد نیز به خواست شوروی صورت گرفت. به نوشته ایگلتون حزب دموکرات نیز در سازماندهی خود از الگوی کمونیست‌ها پیروی می‌کرد و مانند آن دارای شاخه‌های زنان و جوانان بود. قاضی محمد در رأس کمیته مرکزی حزب قرار گرفت. وی در پاسخ به پیشنهاد جعفر پیشه‌وری، رهبر فرقه دموکرات آذربایجان، برای تشکیل حکومت منطقه‌ای کرد با نظارت دموکرات‌های آذربایجان، گفت که برای تشکیل جمهوری خودمختار کردستان با شوروی به توافق رسیده است.^۴ این توافقات در پی دیدار قاضی محمد با برخی از سران شوروی همچون جعفر باقراف نخست‌وزیر آذربایجان صورت گرفته بود. شوروی امیدوار بود با تشکیل یک کشور کردتبار به اتحاد با آنان برخیزد و آن را به بلوک شرق ملحق سازد.

از این رو طی دیدارهایی که میان قاضی محمد و سران کمونیستی صورت گرفت، کمک‌های مالی و غیرمالی زیادی از سوی این کشور به قاضی محمد و حامیانش تعلق گرفت. نقش شوروی در ایجاد این بحران به حدی پررنگ بود که بسیاری معتقدند اگر حمایت مالی و معنوی شوروی نبود قاضی محمد هیچ‌گاه توان ایجاد تشکلات سیاسی خود را پیدا نمی‌کرد. بدین ترتیب با حمایت‌های شوروی، قاضی محمد و متحدانش توانستند یازده ماه اداره کردستان را به دست گیرند. اما در نهایت در آذر ماه سال ۱۳۲۶ تسلیم قوای دولتی شد. گویا شوروی که پیش از آن قول مساعدت به قاضی محمد را داده بود با حل موضوع نفت با ایران، دست یاری خود را کوتاه نمود و قاضی محمد را تنها گذاشت. بدین ترتیب با تسلیم شدن قاضی محمد غائله کردستان نیز پایان یافت.

موضوع نفت ایران و دستیابی به آن یکی از مطامع استعماری کشورهای استعمارگر قرن نوزدهم و بیستم همچون شوروی و انگلیس بود. شوروی بعد از پایان جنگ جهانی دوم برای دستیابی به نفت ایران و گرفتن امتیاز آن از هیچ کوششی دریغ نکرد. بحران آذربایجان و کردستان را نیز می‌توان در چارچوب همین موضوع تعریف و تحلیل نمود. بعد از آنکه این کشور دست خود از منابع نفتی ایران را کوتاه دید درصدد برآمد با حمایت از جنبش‌های تجزیه‌طلبانه سیطره خود بر آن بخش‌ها را تثبیت نماید. اما در نهایت این سیاست شکست خورد و بحران آذربایجان و کردستان پایان یافت.

فهرست منابع

۱. حمید صادقی، معصومه حسینی، "واکاوی نقش شوروی و انگلستان در ظهور و سقوط جمهوری مهاباد، خردنامه"، ش ۱۴، تابستان ۱۳۹۴، ص ۳۲.
۲. عبدالحسین آذرنگ، از طوایف بزرگ کردستان عراق، مشتمل بر چهار تیره بروژی، مزوری، شیروانی و دوله مری، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱، ۱۳۹۳.
۳. حمیدرضا اسماعیلی، تروریسم علیه انقلاب، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷.
۴. جمال خسروی، حزبی به رهبری قاضی محمد پس از شهریور ۱۳۲۰، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۴، ۱۳۹۳.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/48940/بحران-شوروی-نقش-بررسی/>